



بررسی فقهی - حقوقی جرم اقتصادی (اختلاس)

اعظم رحمتی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۳

از صفحه ۶۷ تا ۸۶

چکیده

جرایم اقتصادی از معدود جرایمی است که علی‌رغم سنتی بودن برخی از مصادیق آن، مورد توجه حقوقدانان در دهه‌های اخیر قرار گرفته است؛ زیرا هر چه انسان به اقتصاد وابسته‌تر و نیاز انسان به اقتصاد شدیدتر می‌گردد، آماده کردن بستر جامعه برای فعالیت‌های اقتصادی سالم و جلوگیری از مفاسدی که این فعالیت‌ها را به مخاطره می‌اندازد بیشتر احساس می‌شود.

شناسایی این مفاسد و جرم‌انگاری در خصوص آن از دغدغه‌های قوه مقننه کشورهاست. در حیطه فعالیت‌های اقتصادی آنچه باعث می‌شود یک عمل مفسده‌انگیز تلقی شود، مضر بودن آن عمل و وارد کردن ضرر به جامعه و افراد جامعه است. لذا واژه ضرر همیشه با جرایم اقتصادی همراه بوده و بدون ضرر جرمی تحت عنوان جرایم اقتصادی محقق نمی‌شود. به عبارت دیگر از اجزای اساسی تشکیل دهنده عنصر مادی این جرایم، ضرر است.

واژگان کلیدی: اقتصاد، جرایم اقتصادی، جرایم علیه اموال، فساد مالی، اختلاس

مقدمه:

مال، (قوام) زندگی است و اگر درست از آن استفاده شود، منشأ خیر و سعادت برای انسان می‌گردد و اگر ناصحیح و نامشروع به کار گرفته شود، موجب هلاکت و نابودی خواهد بود. از این‌روی، استفاده‌های ناروا و تصرفات ظالمانه و غاصبانه در اموال و از بین بردن حقوق دیگران، معاملات غرری، رشوه ربا و در یک کلام (اکل مال به باطل) به معنای عام و وسیع آن، سبب هلاکت و نابودی مردم و از هم گسستگی جامعه اسلامی است.

جامعه‌ای که افراد آن، به راحتی حقوق یکدیگر را زیر پا می‌گذارند و طمع کارانه در اموال دیگران تعدی می‌کنند و در پی کسب درآمد افزون‌تر هستند بی‌هیچ پروایی در حرام و حلال آن تیشه به ریشه زندگی سالم و حق حیات می‌زنند. در حقیقت، هم خود را به نابودی می‌کشند و هم دیگران را. همان کشتی را سوراخ می‌کنند که خود بر آن سوارند.

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (بقره، ۱۸۸) «اموال همدیگر را به باطل (و ناحق) مخورید»

چارچوب تحقیق

جرائم اقتصادی در اصطلاح عبارت‌اند از: جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند. جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد، بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد. اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند و به دلیل برخورد مستقیم با زندگی مردم، اساسی بوده و به هیچ عنوان نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ به نحوی که به نقل از معصومین، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اختلال در حوزه‌های دیگر زندگی می‌شود بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می‌دهد که برای مرفهان، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند. فساد اقتصادی شرایطی

را فراهم می‌نماید که در سایه آن، دیگر انواع جرایم تسهیل می‌یابند. بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اخلاط‌گران در نظام اقتصادی و مجرمین اقتصادی است. مبارزه با جرایم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می‌شود و هم از آثار و تبعات مضر اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می‌کند.

اقتصاد و امور مادی همیشه در زندگی بشر، حتی زمانی که به زندگی اجتماعی روی نیاورده بود، رکن اساسی محسوب می‌شده است، لیکن امروزه با پیچیده شدن زندگی اجتماعی و خارج شدن جوامع از مراحل ابتدایی و برقراری روابط گسترده انسان‌ها، اقتصاد جهش خیره‌کننده‌ای داشته و جلوه‌گری خاصی در جوامع پیدا کرده است. به میزان رشد اقتصاد و گسترش و پیچیدگی روابط انسان‌ها، جرایم اقتصادی هم با افزایش فزاینده‌ای روبرو و هم عملیات اجرایی آن از یک نوع پیچیدگی برخوردار می‌باشد، لذا واکنش با آن باید با اتخاذ تدابیر لازم و اعمال سیاست جنایی شایسته توأم گردد. اشکال مختلف و جدید اقداماتی که موجبات فساد اقتصادی را در جامعه فراهم می‌کند و مردم را از نظر اقتصادی در تنگنا قرار داده و برخی از این اعمال، امنیت اجتماعی را مخاطره می‌اندازد قانون‌گذاران کشورهای جهان را به حرکت سریع در جهت جرم‌انگاری نسبت به این اعمال سوق داده و آنان را وادار به تصویب مقرراتی که مانع وقوع این اعمال شود می‌نماید. (گلدوزیان، ۱۳۸۷: ۳۲)

بنابراین بررسی اعمال جرم شده و تطبیق آن با مفاسد اجتماعی موجود و مشخص شدن مفاسدی که اعمال جرم نشده است می‌تواند در دستور کار قانون‌گذاران ایرانی قرار گیرد. در این کار تحقیقی سعی شده است جرم اقتصادی اختلاس که در جامعه به‌طور گسترده صورت می‌پذیرد بررسی و تا حدودی با قوانین و مقررات حقوق اسلامی تطبیق داده شود (همان)

در فقه اسلامی به جهت وجود اصول کلی، مثل اصل نهی از خیانت، اصل نهی از وارد کردن ضرر به دیگران، نهی از دارای شدن بی‌جهت، نهی از اخلال در بازار مسلمین و می‌توان هر حرکت اقتصادی را برای افراد یا جامعه ضرر داشته و موجبات اخلال در نظام اقتصادی را فراهم می‌نماید، جرم تلقی کرد و مرتکب آن را مستحق کیفر دانست.

مفهوم شناسی

برای روشن شدن جایگاه جرم اقتصادی اختلاس که موضوع اصلی این تحقیق است مطالب ذیل مطرح خواهد شد: تعریف جرم، انواع جرم، تعریف اقتصاد، تأثیر اقتصادی در بزهکاری، اقتصاد در اسلام، جرایم مالی و اقتصادی، عنصر ضرر در جرایم اقتصادی (اختلاس)، تشابه اختلاس فقهی و حقوقی و ارکان جرم اختلاس و مجازات آن.

تعریف اقتصاد

«اقتصاد» از نظر لغوی به معنای میانه‌روی و ضد افراط است (المنجد - ذیل کلمه «اقتصاد») و معمولاً در خصوص نفقه و مخارج زندگی به کار برده می‌شود.

اقتصاد در اسلام و تأثیر آن در بزهکاری از دیدگاه فقه اسلامی

اقتصاد سالم یکی از نیازهای حیات جوامع بشری است و بدون داشتن یک اقتصاد پویا افراد جامعه نمی‌توانند به سعادت نایل آیند؛ و یک جامعه که از نظر اقتصادی در هم ریخته است یک جامعه رو به رشد نخواهد بود. اسلام برای ایجاد محیط اقتصادی مناسب سیاست اقتصادی خاصی را ارائه داده و در این سیاست ضمن احترام به مالکیت خصوصی و تشویق و ترغیب مردم به تلاش و کوشش فراوان جهت بهبودی اوضاع مالی خود و جامعه از یک طرف با فقر و تنگدستی به مبارزه برخاسته و هم افراد را برای رهایی از آن به کوشش و تلاش و هم اولیاء جامعه را به برنامه‌ریزی دقیق و رفع مشکلات کلان اقتصادی جامعه موظف می‌کند و هم روحیه دنیاگرایی را برای تعدیل تقسیم امکانات مادی در جامعه تقبیح دانسته است و روابط مالی افراد را قانونمند نموده و تحصیل مال بی‌جهت را تحت هیچ عنوانی جایز نمی‌داند و آن را «اکل المال بالباطل» محسوب کرده است. رهبران اسلام که به اثرات حیرت‌آور فقر آگاه بودند و فقر و ناداری و درهم‌ریختگی اقتصادی را از بلاهای کشنده می‌دانستند با تعابیر هشداردهنده سعی بر آن داشتند مردم را از وادی فقر رهایی و جامعه را به سوی کسب اقتصادی سالم رهنمود نمایند.

پیامبر اسلام صلی اله علیه و آله درباره فقر می‌فرماید: «کاد الفقر ان یکون کفراً»: (فقر

و ناداری متقارن با کفر است) (مجلسی، ۱۹۸۳: ۲۹)

زیرا بسیاری از انحرافات فکری و اعتقادی از فقر سرچشمه می‌گیرد و امام علی علیه می‌فرماید: «الفقر الموت الاکبر» (فقر مرگ بزرگ است) (مجلسی، ۱۹۸۳: ۲۹)

تعریف جرم در معنای لغوی و فقه و حقوق:

جرم از نظر لغت به معنی گناه (المنجد، ذیل کلمه جرم) و انجام عمل نهی شده و یا ترک فعل توصیه شده است جرم در معنای فقهی آن، به معنی گناه و انجام عمل نهی شده و یا ترک فعل توصیه شده است. (المنجد، ذیل کلمه جرم) در اسلام هر عمل خارجی (چه فعل باشد چه ترک فعل) مغایر با اوامر و محرمات خداوند متعال جرم محسوب شده و مستحق مجازات است و از آن با تعابیر اثم، سیئه، سوء و جناح یاد شده است. ملاک اصلی جرم بودن عملی همان مخالفت با اوامر و نواهی است چه مفسده آن عمل متوجه شخصی مجرم باشد و چه متوجه دیگران و جامعه.

و در معنای حقوقی آن طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. ماهیت جرایم اقتصادی و تعریف آن

جرایم اقتصادی معمولاً در بستر یک بنگاه اقتصادی، موسسه یا شرکت رخ می‌دهد. حقوق کیفری اقتصادی، هم حقوق کیفری تجاری و هم فراتر از آن می‌باشد. در واقع حقوق کیفری اقتصادی دو رسالت عمده بر عهده دارد: ۱- حمایت از منافع خصوصی افراد. ۲- مدیریت اداره‌ی اقتصاد کشور.

اما ماهیت حقوق کیفری اقتصادی بر اثر اینکه نوع نظام ما از جهت اقتصادی لیبرال یا ارشادی باشد متفاوت است. در نظام ارشادی حضور دولت پررنگ است. لذا حقوق کیفری اقتصادی گسترده‌تر است. ولی در نظام لیبرال چون حمایت از سرمایه مهم است فی‌المقدور تخلفات اقتصادی با ضمانت اجزاهای صنفی، اداری و غیر کیفری پاسخ داده می‌شود.

در حقوق داخلی هیچ‌گونه تعریفی از جرم اقتصادی وجود ندارد و با خلأ قانونی روبرو هستیم. (صادقی، ۱۳۸۴: ۳۱۱)

برای جرایم اقتصادی وجود ۴ عامل ضروری است: ۱- وجود ساختارها و مبناهای اقتصادی

سال ۲- کنار گذاری عنصر خشونت ۳- جرم اقتصادی با نوعی فرصت طلبی مجرمانه ملازمه دارد. این فرصت طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه‌ی هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبین و میزان اعتماد افراد به آن‌ها دارد. این بزه‌کاران برای جامعه خطرناک‌ترند چون هم جامعه‌پذیرند هم از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند ۴- اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبین به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند.

تعریف «جرایم مالی» و «جرایم اقتصادی»

جرایم مالی:

به این دسته از جرایم «جرایم علیه اموال» هم می‌گویند؛ و آن «جرایمی است که در آن‌ها تجاوز به مال افراد جامعه یا به اموال عمومی صورت گیرد؛ مانند سرقت، خیانت در امانت، حرق اموال دولتی که در اعتصابات پیش می‌آید.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۵۳۲) مصادیق این نوع جرایم در قوانین جزایی تحت عناوین مذکور و عناوین دیگری مانند کلاهبرداری، تخریب اموال منقول و غیرمنقول و کشتن و مسموم یا تلف و ناقص کردن حیوانات حلال گوشت متعلق به دیگری، اتلاف اسناد و اوراق تجاری دیگری، ذکر شده است.

جرایم اقتصادی:

می‌توان گفت جرم اقتصادی آن عملی است که در آن به نظام اقتصادی کشور صدمه وارد کرده، به طوری که نظام اجتماعی جامعه را تحت شعاع قرار می‌دهد و اختلاس، ارتشاء، ربا، احتکار، رقابت مکارانه، گران‌فروشی، تقلب و دسیسه، جعل اوراق و اسناد بهادار و اسکناس و نیز جرایم مالی که به صورت سازمان‌یافته چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی صورت می‌یابد نیز از جرایم اقتصادی محسوب می‌شود. به‌طور کلی هر عملی که اخلاق در نظام اقتصادی جامعه را فراهم نماید و قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد جرم اقتصادی است.

در اسلام قواعد و اصول کلی وجود دارد که با تمسک به آن می‌توان هر عملی را که به‌نوعی تعرض به حقوق مالی افراد و جامعه باشد مجرمانه تلقی نمود، برخی از این اصول و قواعد عبارت‌اند از: اصل نفی ظلم: خداوند متعالی می‌فرماید: «و لقد اهلکنا

القرون من قبلکم لما ظلموا» یونس - ۱۳

«فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا» نمل - ۵۲

رسول خدا صلی اله علیه و آله: «الظلمه و اعوانهم فی النار» کنز العمال - روایت (۷۵۸۹)
 اصل نهی از فریب مؤمن: امیر المومنین علی علیه السلام: «الا و ان الغدر و الفجور و الخیانه فی النار» (روایت ششم باب مکر، کتاب ایمان و کفر اصول کافی).
 امام صادق علیه السلام: «لیس منا من ماکر مسلماً، روایت سوم همان)، اصل نفی از خیانت (خداوند متعالی: ان الله لا یحب من کان خواناً اثیماً (نساء - ۱۰۷)
 اصل رعایت عدل و قسط (مائده - ۸): (نساء - ۱۳۵): «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط»

اصل عدم اخلال در بازار مسلمین - قال امام علی علیه السلام: «و هو یطوف فی الاسواق یعظ التجار»: «یا معشر التجار قدموا للاستخاره و تبرکوا با لسهوله، اقتربوا من المتباعین، زینوا با لحلم و تناهوا عن الیمین و جانبوا الکذب و تخافوا (تجافوا) عم الظلم و انصفوا ا لمظلومین و لاتقربوا ا لربا و اوفوا ا لکیل و ا لمیزان و لاتبخسوا الناس اشیاء هم و لا تعثوا فی الارض مفسدین» (بحار الانوار ۵۴/۷۸) و غیره.

تفاوت «جرائم مالی» و «جرائم اقتصادی»:

تفاوت‌هایی که این دو دسته از جرائم داشته با توجه به تعاریفی که از آن‌ها بیان شده عبارت‌اند از:

«جرم مالی یک جرم عمومی است» (کوشا - جعفر - پیشین) و در چهارچوب حقوق جزای اقتصادی می‌گنجد. مثل کلاه‌برداری که یک فرد با توسل به اسباب متقلبانه مال دیگری را می‌برد و یا سرقت که ربودن مال غیر به‌طور پنهانی است. در جرائم مالی اگر چه در نهایت به جامعه لطمه وارد می‌شود، ولی چون نوعاً اقدام یک یا دو نفر علیه یک و چند نفر است، به طور مستقیم نظام اقتصادی جامعه را تهدید نمی‌کند، اما جرم اقتصادی فراتر از یک جرم مالی است زیرا جرائم راساً نظام اقتصادی و علاوه بر آن نظام اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و در قالب یک جرم ملی جلوه می‌کند؛ و حتی گاهی به‌صورت یک جرم بین‌المللی مطرح است. در عوامل مؤثر در مجازات مجرمین در جرائم

مالی و جرایم اقتصادی تفاوت است. برای تعیین میزان مجازات و شدت و قلت آن نوعاً شاخص‌هایی در نظر گرفته می‌شود، در جرایم عمومی موارد زیر را می‌توان به‌عنوان شاخص‌های احتمالی برای تعیین شدت جرم ذکر کرد (صادقی، ۱۳۷۴: ۲۱۴).

«خصوصیات مجرم، خصوصیات قربانی، شرایط و اوضاع و احوال جرم و ارزش غیرمالی اموال مثل مالی که صرفاً دارای ارزش عاطفی برای قربانی جرم می‌باشد.» البته گاهی ارزش مال هم مورد توجه است ولی باید توجه داشت که نه ارزش مال فقط یکی از راه‌های ارزیابی میزان صدمه وارده است و نمی‌توان آن را یک معیار قطعی تلقی کرد (پیشین). در جرایم اقتصادی برای تعیین مجازات مجرمین نباید این عوامل را به‌عنوان عوامل اصلی تعیین میزان مجازات مدنظر داشت، زیرا این دسته از جرایم بر خلاف جرایم اقتصادی نظام محسوب نمی‌شوند تا فقط حقوق افراد در آن لحاظ شده باشد، بلکه در جرایم اقتصادی نظام جامعه مورد تعرض قرار می‌گیرد لذا باید صرف نظر از اینکه مجرم چه کسی است و قربانیان مستقیم این جرایم چه خصوصیتی دارند و اوضاع و احوال جرم چگونه بوده است و ارزش غیر پولی و پولی اموالی که در راستای ارتکاب این جرایم مورد تعرض بوده چه میزان می‌باشد به تعیین مجازات پرداخت و به میزان خسارت و آسیبی که به نظام اقتصادی جامعه وارد شده و اثرات روحی و روانی که این گونه جرایم در حد کلان در جامعه از فرد باقی می‌گذارد و منجر به اخلال در روابط اقتصادی افراد می‌گردد و به میزان تعرضاتی که به نظام اجتماعی ملت‌هم از صدمات وارده به نظام اقتصادی وارد می‌شود عنایت داشت.

عنصر ضرر در جرایم اقتصادی

یکی از شرایط تحقق جرایم اقتصادی ایجاد ضرر و زیان به افراد جامعه است. در صورت عدم تحقق این شرط جرم اقتصادی محقق نشده است. البته این ضرر و زیان گاهی بالفعل است مثل ضررهایی که از گران‌فروشی، احتکار، ربا، قاچاق کالا، استفاده از اسناد و نوشته‌های مجعول به جامعه وارد می‌شود و گاهی بالقوه خواهد بود، مثل جعل اسکناس یا سکه یا اسناد.

با توجه به اینکه هر نوع جرمی ماهیتاً در بردارنده نوعی ضرر و زیانی خواه مادی و

خواه معنوی به افراد جامعه می‌باشد و اصولاً جرم انگاری نسبت به فعل یا ترک فعل توسط قانون‌گذار ناشی از این است که این عمل برای امنیت جامعه و یا عدالتی که باید در جامعه افراد از آن برخوردار باشند مضر است، تصریح به عنصر ضرر در جرایم اقتصادی به این علت است که این گونه جرایم از نظر اقتصادی نظم جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و آثار آنی آن در جامعه از ضررهای جرایم دیگر بیشتر و ملموس‌تر است؛ و از طرف دیگر غالباً مرتکبین جرایم اقتصادی با انگیزه‌های مالی و مادی اقدام به این گونه اعمال مجرمانه نموده و تأثیر اعمال آن‌ها گاهی تمام جامعه یا بخش قابل توجهی از آن را تحت شعاع قرار می‌دهد؛ بنابراین جرم انگاری در این گونه اعمال صرفاً جهت جلوگیری از ضررهای ناشی از آن است، چنانچه این اعمال در بردارنده ضرری نباشد نمی‌تواند در جرگه این جرایم محسوب شود.

قاعده لاضرر: لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام»، حکم ضرری در اسلام وضع نشده است. (القواعد لفقهیه، ج ۶، صص ۹، ۱۲، ۷۸ و اصل ۴۰ و بند ۴۳ قانون اساسی)

جرم اختلاس:

یکی از جرایم متداول اقتصادی در جوامع بشری سوءاستفاده مأمورین دولتی از اموال عمومی که در اختیار آن‌ها بر حسب وظیفه گذاشته شده است می‌باشد. این اموال از آن جهت که مالک خاصی نداشته و اصولاً مربوط به بیت‌المال و همه مردم و جامعه بوده و نظارت بر آن گونه که در اموال شخصی وجود داشته ندارد و از طرفی نوعاً افرادی که از این اموال با انواع تصرفات سوءاستفاده می‌نمایند سلطه بر آن داشته و استفاده و نگهداری از این اموال بر عهده آن‌ها می‌باشد، بیشتر و راحت‌تر مورد تعرض قرار می‌گیرد. سوءاستفاده از اموال عمومی از اعمال مجرمانه‌ای است که به فساد اقتصادی در جوامع دامنه زده و بدبینی و انزجار را در بین ملت‌ها نسبت به قوای حاکم ایجاد کرده است.

این جرم از آن جهت که اولاً متوجه اموال است و ثانیاً وقوع آن امنیت اجتماعی را مختل می‌سازد، دارای دو جنبه می‌باشد. اول جرایم علیه اموال است و جنبه دیگر جزء جرایم علیه آسایش عمومی خواهد بود (رمضانی، ۱۳۸۰: ۱۷). به‌طور کلی می‌توان گفت این بزه

هم دارای جنبه خصوصی است چه اینکه ممکن است اموال اشخاص مورد اختلاس قرار گیرد، هم جنبه عمومی می‌باشد. لیکن چون اختلاس با نظم عمومی ارتباط نزدیک داشته جنبه عمومی آن بر جنبه دیگرش غلبه دارد. از طرفی شائبه حق الهی بودن اختلاس نیز وجود دارد. اختلاس را می‌توان با توجه با اینکه یکی از جرایم علیه اموال است و دارای اثرات سوء علیه عامه مردم و جامعه بوده و موجبات اختلال در نظم عمومی را فراهم می‌کند از جرایم اقتصادی به شمار آورد. قبل از اینکه ارکان مادی و معنوی و سیاست کیفری قانون‌گذاری را در خصوص اختلاس بررسی کنیم به چند مطلب اشاره می‌شود.

الف: تعریف اختلاس در معنای لغوی، فقه و حقوق

اختلاس در معنای ربودن، زود ربودن، سلب کردن می‌باشد؛ و همچنین در معنای سوءاستفاده مالی توسط شخص مسئول می‌باشد (فرهنگ عمید: ۴۰۰). کلمه اختلاس» مصدر باب افتعال، کلمه‌ای عربی است و ریشه آن «خلس» می‌باشد. در زبان عربی به معنای نوعی گرفتن و سلب کردن توأم با سرعت و غفلت دیگران استعمال می‌شود. در لغت‌نامه دهخدا آن را «ربودن مال از غیر حرز، مانند گوسفندی که از چراگاه می‌ربایند» تعریف کرده‌اند.

فقها هرکس مالی را از غیر حرز بدون سلاح و بدون زور اخذ و ببرد مختلس نامیده‌اند. اختلاس در حقوق «اخذ یا تصاحب اموال دولتی یا اموال شخصی که به حکم قانون در اختیار کارمند دولت یا کسی که در حکم او است به نفع خود یا دیگری» (شامبیاتی، ۱۳۸۵)

ب: تشابه اختلاس فقهی و حقوقی

از وجود اشتراک آن دو، می‌توان عنصر ربودن به قصد تملک و قصد مجرمانه داشتن در عمل ربودن و نیز نوع مجازات که در هر دو تعزیری است نام برد؛ و در ویژگی مرتکب که در اصطلاح حقوقی اختلاس، مختلس باید کارمند یا در حکم کارمند باشد و در فقه اعم از این است و نیز در موضوع این بزه که در فقه مال منقول است و در حقوق اعم از آن است و در فقه این بزه جنبه خصوصی داشته، ولی در حقوق جنبه عمومی دارد.

(رمضانی، ۱۳۸۰)

رکن مادی «اختلاس»

رکن مادی اختلاس بر اساس تعریفی که قانون‌گذار ایرانی از این بزه در ماده ۵ قانون تشدید آورده است (ماده ۵ - قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸: «هر یک از کارمندان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی وجود یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که برحسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترغیب زیر مجازات خواهد شد.»)، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در رکن مادی اختلاس چهارعنصر مورد بررسی و بحث خواهد بود: موضوع، سمت مرتکب، سبب اختلاس و عنصر ضرر.

«موضوع اختلاس»

در ماده ۵ قانون تشدید وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد اوراق بهادار و یا سایر اموال» به‌عنوان موضوع اختلاس ذکر شده است. به‌طور کلی می‌توان مال را به‌عنوان موضوع اختلاس معرفی کرد. مرتکب چنانچه مالی را که برحسب وظیفه به وی سپرده شده است تصاحب نماید، بزه اختلاس محقق شده است.

در تعریف مال، از نظر حقوق، دو شرط اساسی نهفته است: اول اینکه مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیازی مادی باشد یا معنوی و دوم اینکه به شخص یا ملت معینی قابل اختصاص باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۱) البته برخی به «آنچه دارای ارزش اقتصادی است (ولیدی، ۱۳۷۹: ۹۰) مال اطلاق کرده‌اند.

«اموال» در یکی از تقسیمات به دو دسته «اموال منقول» و «اموال غیر منقول» تقسیم می‌شوند. در قوانین موضوعه کلمه «اموال» بکار رفته است و قانون‌گذار اشاره‌ای به

مرادش که کلیه اموال است تا شامل اموال غیرمنقول هم بشود یا موضوع اختلاس فقط شامل اموال منقول خواهد بود نکرده است. و این امر موجب اختلاف در تعیین موضوع اختلاس از این حیث شده است. عده‌ای با تمسک به اطلاق کلمه «اموال» که در ماده ۵ تشدید آمده است و قانون‌گذار این کلمه را قید و به اموال منقول نکرده است، بر این عقیده هستند که اموال غیرمنقول هم می‌تواند موضوع اختلاس قرار گیرد. نظریه دیگر این است که در اینکه کلمه «اموال» مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مشمول «اموال غیرمنقول» هم بشود شك وجود دارد و در مقام شك باید به قدر متیقن که همان «اموال منقول» است اکتفا نماییم. بنابراین «اموال غیرمنقول» مشمول موضوع اختلاس نمی‌باشد. از طرفی با توجه به معنای فقهی اختلاس که ربودن مال از غیر حرز است و ماهیت آن در حقوق که «ربودن» می‌باشد و این ربودن فقط شامل اموال منقول می‌گردد حق این است که موضوع اختلاس را محدود به اموال منقول کنیم (کشاوری، ۱۳۷۶: ۱۵۱).

با توجه به ماده ۵ قانون تشدید چنین استنباط می‌شود که مراد قانون‌گذار از کلمه «اموال» همان‌گونه که برخی از حقوقدانان عقیده داشته و نظر اداره حقوقی قوه قضائیه هم هست، اموال منقول می‌باشد. چه اینکه قانون‌گذار در این ماده قبل از کلمه «سایر اموال» مصادیقی را ذکر می‌کند که همه جزء اموال منقول هستند جهت حفظ سیاق کلام باید اذعان نمود، مراد از کلمه «سایر اموال» اموالی است که مانند مصادیق مذکور قبل از آن منقول باشد.

مالی که مورد اختلاس قرار می‌گیرد فرقی ندارد دولتی باشد یا خصوصی، آنچه ملاک در تحقق موضوع اختلاس است این است که مال برحسب وظیفه به مستخدم یا کسی که در حکم مستخدم است سپرده شده باشد. در موردی که مال شخصی است لازم نیست که مالک مال شخصی بعینه مشخص باشد زیرا اطلاق قانون در این خصوص اقتضاء می‌کند چنانچه مستخدم در اموال شخصی هم که مالک وی بعینه مشخصی نیست مرتکب اختلاس شود مستحق کیفر تعیین شده باشد.

«سمت مرتکب»

بزه «اختلاس» مانند «ارتشاء» یکی از جرایم دارای سمت است. بدون این صفت بزه تحقق نمی‌یابد. صفت این جرم این است که مرتکب آن باید مستخدم دولت یا مأمور خدمات عمومی باشد.

در ماده ۵ قانون تشدید...، قانون‌گذار کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شود و یا دارندگان پایه قضایی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی را چنانچه مرتکب بزه اختلاس شوند مشمول مقررات و اعمال کیفر این بزه محسوب کرده است (به ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری رجوع شود).

«سبب اختلاس»**«برداشت» و «تصاحب»**

یکی از عناصر تشکیل‌دهنده رکن مادی اختلاس وقوع «برداشت» و «تصاحب» اموال دولتی یا اموالی می‌باشد که به مستخدم دولتی یا فردی که در حکم مستخدم دولتی است تحویل شده است. قانون‌گذار برای تحقق این جرم وقوع عمل «برداشت» و «تصاحب» را شرط دانسته است. این دو کلمه دو معنا مستقل از همدیگر دارند. معنا کلمه «برداشت» اعم از «تصاحب» است چه اینکه «برداشت» ممکن است با قصد تصاحب باشد یا بدون چنین قصدی. اگر قانون‌گذار از این دو کلمه یک معنا قصد کرده و مرادش «برداشت توأم با قصد تملک» باشد، در این صورت، چنانچه مستخدم بدون قصد تملک مالی را بردارد اختلاس صورت نگرفته است، ولی اگر مراد از هر یک از این دو کلمه معنای مستقل خودش باشد، هر نوع برداشتی، ولو در آن قصد تصاحب و تملک نباشد سبب اختلاس محقق شده است.

«حسب وظیفه»

از عناصر دیگر تشکیل‌دهنده رکن مادی اختلاس این است که اموال مورد اختلاس

حسب وظیفه به مرتکب سپرده شده باشد. صرف اینکه مستخدم اموال عمومی مربوط به اداره یا سازمان یا شرکت دولتی را که خود در آن اشتغال دارد تصاحب کند، مختلس محسوب نمی‌شود. البته لازم نیست اموال مورد اختلاس به‌طور مستقیم در اختیار مستخدم قرار گیرد، بلکه چنانچه این اموال به‌صورت غیرمستقیم به وی سپرده شود برای تحقق اختلاس کفایت می‌کند. بنابراین چنانچه نگهبان شرکت دولتی که مکلف به حفاظت و نگهداری از اموال داخلی انبار است، بخشی از آن را تصاحب کند مختلس به شمار می‌آید، اگرچه هر یک از واحدهای کالای موجود در انبار به‌صورت عملی به وی سپرده نشده باشد.

در صورتی که مأمور اشیاء سپرده شده به مأمورین دیگر را تصاحب کند، سارق محسوب شده و باید کیفر جرم سرقت نسبت به وی اعمال گردد. همچنین اگر مأموری اشیاء سپرده شده به وی را به مأمور دیگری سپرده و این مأمور پس از در اختیار گرفتن اموال عمومی آن را تصاحب کند مختلس محسوب نخواهد شد، زیرا اموال به‌موجب وظیفه به وی سپرده نشده است. البته در این مورد مرتکب خیانت در امانت شده است.

«عنصر ضرر در اختلاس»

عنصر ضرر در اختلاس جرایم اقتصادی جایگاه خاصی دارد. در حقیقت هدف از جرم انگاری در مسائلی که اقتصاد جامعه را با خطر مواجه می‌سازد و اساساً امور معیشتی مردم را تهدید می‌کند، جلوگیری از ضررهای ناشی از اعمال زیان‌آور اقتصادی این امور است. بنابراین وجود ضرر برای تحقیق بزه‌های اقتصادی مفروضه است. از آنجایی که ضرر یا بالفعل است و یا بالقوه، جای این سؤال وجود دارد. ضرری که شرط بزه اقتصادی است باید بالفعل باشد یا چنانچه از عمل ارتكابی وقوع ضرر متحمل هم باشد بزه محقق خواهد شد؟ حقوقدانان بر این عقیده هستند که در جرایم اقتصادی من جمله اختلاس لازم نیست ضرر فعلی باشد بلکه چون با اخذ یا تصاحب مال احتمال وجود ضرر برای دولت یا شرکت‌های وابسته یا افرادی که اموالشان در اختیار مستخدمین دولتی وجود دارد، همین ضرر محتمل برای وقوع بزه اختلاس کفایت می‌کند. به عبارت دیگر اگرچه در مرحله ثبوت و مرحله قانون‌گذاری عنصر ضرر مدنظر قانون‌گذار بوده است، لیکن

در مرحله اثبات که مرحله نسبت دادن بزه به مرتکب است وجود ضرر بالفعل لازم نمی‌باشد.

«رکن معنوی اختلاس»

در رکن معنوی اختلاس همانند بحث ارتشاء هر دو عنصر تشکیل‌دهنده این رکن یعنی «سوء نیت عام» و «سوء نیت خاص» مطرح خواهد شد.

«سوء نیت عام»

وجود قصد مجرمانه برای اعمال کیفر قانونی نسبت به مرتکبین عملیات مجرمانه امری ضروری و حتمی است. عدم احراز این قصد هر مرتکب و فاعلی را از تحمل کیفر رهایی می‌دهد.

اختلاس مانند اکثر جرایم از جرایم عمدی است و به «سوء نیت» نیاز دارد. مرتکب در اختلاس باید عمل ارتكابی را به‌طور عمد انجام داده باشد و عمدی بودن اختلاس به این است که مرتکب با علم بر اینکه عملی انجام می‌دهد خلاف مقتضای وظیفه امانت‌داری اوست اقدام به ارتكاب جرم نماید، (ولیدی، پیشین، ص ۸۶) یعنی «برداشت» و «تصاحب» اموال و یا اشیاء به نفع خود یا دیگری را که رکن مادی اختلاس است با قصد و سوء نیت. از این قصد به «سوء نیت عام» تعبیر می‌شود. تحقق «سوء نیت عام» به وجود علم و اراده بستگی دارد. «علم داشته باشد» یعنی باید بداند این اموال که در اختیار وی است بر اساس وظیفه شغلی در اختیار وی است بر اساس وظیفه شغلی در اختیار وی است بر اساس وظیفه شغلی در اختیار وی قرار گرفته است؛ و علاوه بر آن اراده بر تصاحب مال مختلس نیز داشته باشد؛ بنابراین چنانچه مال ناپدید شود یا وسیله قوه قاهره یا حادثه ناگهانی آتش بگیرد یا سرقت و نابود گردد، اتهام اختلاس متوجه وی نخواهد بود.

«سوء نیت خاص»

اختلاس از جرایم عمدی و مقید به قصد نتیجه می‌باشد. مقید بودن بزه اختلاس به قصد نتیجه به این معنا است که مرتکب از ارتكاب عملیات اجرائی قصد تحصیل منفعت برای خود یا دیگری و اضرار به دولت یا سازمان‌های وابسته و یا اشخاص که اموالشان در اختیار مستخدم حسب وظیفه داشته باشد. از چنین قصدی تعبیر به

«سوئیت خاص» می‌شود.

از دیگر شرایط «قصد مجرمانه» «تقارن آن با رکن مادی است، چنانچه حین «برداشت» یا «تصاحب» مستخدم فاقد چنین قصدی باشد، لیکن بعد از گذشت مدتی درحالی‌که هنوز مال برداشت یا تصاحب شده در اختیارش باشد و در ادامه تصرف مالکانه در آن قصد مجرمانه لازم اختلاس کند، بزه موصوف محقق نخواهد شد، زیرا این قصد مجرمانه تقارن با عملیات اجرایی و تصرف مالکانه نداشته است.

«مجازات اختلاس»

در سیاست کیفری و اعمال مجازات قانون‌گذار ملاک میزان مجازات را میزان ارزش مال اختلاس شده قرار داده است. این میزان همراه با مقدار کیفر تعیین‌شده در طول مدت قانون‌گذاری در ایران متفاوت می‌باشد. در قانون مجازات عمومی دو ملاک برای میزان وجه اختلاس شده در نظر گرفته شده بود: اول اینکه ارزش آن کمتر از پنج هزار ریال باشد، دوم اینکه ارزش آن بیش از پنج هزار ریال و نیز چنانچه جمع مبلغ اختلاس شده کمتر از پانصد هزار ریال می‌بود کیفر خاصی برای آن پیش‌بینی گردیده بود، در قانون تشدید تا میزان پنجاه هزار ریال مجازات خاصی داشته و بیش از آن نیز دارای کیفر دیگری است.

به‌طور کلی قانون‌گذار در قانون تشدید مجازات ماده ۵ و تبصره ۶، چهار نوع کیفر برای عاملین اختلاس در نظر گرفته است:

۱. حبس ۲. انفصال از خدمت (موقت و دائم) ۳. رد مال ۴. جزای نقدی. چنانچه ارزش مال اختلاس شده تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و نیز به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و به رد مال و جزای نقدی معادل دو برابر ارزش مال محکوم خواهد شد؛ و چنانچه ارزش آن بیش از پنجاه هزار ریال باشد محکومیت حبس دو تا ده سال و انفصال دائم و رد مال و جزای نقدی به میزان دو برابر مال خواهد بود.

بر اساس تبصره ۴ ماده ۵ قانون تشدید، برای حداقل نصاب دو مبلغ مذکور (تا پنجاه هزار ریال و یا بیش از آن لازم نیست) مرتکب یک دفعه آن را اختلاس کرده باشد، حتی

اگر برای چند بار مستخدم مرتکب اختلاس شده باشد و جمع مبلغ اختلاس شده به حداقل نصاب یکی از دو مبلغ مذکور در قانون برسد کفایت می‌کند.

تخفیف و معافیت در مجازات اختلاس:

بر اساس تبصره یک ماده یک قانون تشدید... و تبصره ۶ ماده ۵ همان قانون، دادگاه‌ها علی‌رغم وجود جهات و کیفیات مخففه، مکلف به عدم اعمال مجازاتی کمتر از حداقل کیفر قانونی شده‌اند.

در اختلاس چنانچه مختلس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال را مسترد نماید، دادگاه بر اساس تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید...، او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید، این معافیت در تبصره ۲ ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ هم لحاظ شده بود، با این تفاوت که در آن تبصره، قانون‌گذار دادگاه را در اعمال این معافیت مخیر نموده و با آوردن کلمه می‌تواند این امر را به عهده دادگاه گذاشته بود، لیکن در قانون تشدید...، معافیت از تمام جزای نقدی یا قسمتی از آن را تکلیف دادگاه دانسته است؛ و نیز تفاوت دیگر این است که در تبصره ۲ ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی موضوع معافیت تمام جزای نقدی است ولی در قانون تشدید...، موضوع تمام یا قسمتی از آن است.

نتیجه‌گیری:

برای مبارزه با فساد باید عوامل شکل‌گیری و ایجاد آن را نشانه رفت و در مراحل اولیه از تشکیل آن جلوگیری نمود. لذا شناسایی عوامل فساد و مؤلفه‌های تعیین‌کننده در آن جزء اولین گام‌های مبارزه با فساد به حساب می‌آید.

در گام‌های بعدی مبارزه با فساد می‌بایست بر دو مطلب اصلی تأکید نمود. اول سیستم سازی و نظام سازی؛ و دوم کادر سازی و تربیت منابع انسانی. چرا که نقص‌ها و خلل‌های موجود در سیستم‌هاست که فسادهایی می‌کند؛ لذا غیرممکن است دنبال فساد زدایی باشیم و سیستم سازی نکنیم. شاید تأکید مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مبنی بر اینکه: «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند ناظر بر همین مطلب باشد.

پیشنهادات:

- ۱- انتخاب مدیران شایسته و آشنا به کار
- ۲- تخصصی برخورد کردن با سیستم بانکی و انتخاب تخصص مدیران به جای انتخاب سیاسی و رابطه‌ای آن‌ها
- ۳- لزوم تعامل بین مدیران و کارکنان در هر سازمان
- ۴- انتخاب مدیران ارشد و میانی در هر سازمان مبتنی بر دانش
- ۵- تجربه و تخصص با طی مدارج لازم
- ۶- ارزشیابی دائمی کارکنان از پایین تا بالا
- ۷- از مدیران شعب به بالا در زمان دادن تصدی تضمینی اخذ شود تا در صورت هرگونه اشتباهی، به جبران آن اقدام شود.

منابع و مأخذ:

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۷). مبسوط در ترمینولوژی. جلد ۱. چاپ نشر آزادی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۷). دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت. جلد اول. چاپ نشر آزادی.
- کشاورز، بهمن. (۱۳۷۶). مجموعه محشای قانون تعزیرات. چاپ دوم تهران: انتشارات گنج دانش.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۷). حقوق جزای اختصاصی. چاپ چهارم نشر ماجد.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۷۶). تحلیل مبانی حقوق جزا. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- نوربها، رضا. (۱۳۷۷). زمینه های جرم شناسی. چاپ اول. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ب - مقالات حقوقی:
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). تازه های علوم جنایی. مجموعه مقالات جرم شناس. نشر میزان.
- ج- منابع عربی :
- شهید ثانی زین الدین الجبعی العاملی، مسالک الافهام. (۱۴۱۹ق). ج ۳. موسسه المعارف الاسلامی. قم. چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناص. (۱۴۱۴ق). القواعد الفقیه. ج ۲. چاپ سوم. موسسه الامام امیرالمومنین.
- نجفی، محمد حسن. (۱۹۱۸م). جواهرالکلام. ج ۲۳. چاپ هفتم بیروت.

